

بسم الله الرحمن الرحيم

احیای خدمات اجتماعی در واتیکان

اخبار معضلات ناگواری که در کلیسای کاتولیک اتفاق می‌افتاد سبب شد که از سال ۱۹۶۴ میلادی، کاردینال‌های نهاد واتیکان جهت مذاکره در نشست‌هایی گردهم آیند و در این نشست‌ها عدم غرق شدن در مباحث کلامی و خدمت به بشریت را در راس امور قرار دهند که در نهایت تصمیم بر این قرار گرفت که رویکرد نهاد واتیکان به جای اصلاح در مباحث کلامی، به اصلاح امور بشریت که از فساد، فقر، گرسنگی، جنگ و... رنج می‌برد، تغییر یابد.

اینجانب در دوران دانشجویی در سال ۱۳۵۳ به تشویق استادم به مطالعه جهت ارائه کنفرانس به مطالعه رمان «نان و شراب» نوشته «اینیاتیسیو سیلونه» و ترجمه محمد قاضی (رحمه الله علیه) پرداختم. به قول معروف، جان مطلب اینکه در انگیزاسیون شدید کلیسا فراگیری آن در اروپا و انقلاب فرانسه و دیکتاتوری موسولینی در ایتالیا شخصی انقلابی برای آگاهی مردم لباس کشیش برتن می‌کند و از فرانسه به ایتالیا سفر می‌کند در حالیکه فقر شدیدی بر جامعه ایتالیا حاکم بود و مردم برای رفع گرسنگی نان را در شراب خرد می‌کردند که همین دلیل کتاب نام «نان و شراب» به خود گرفت. کشیش انقلابی روستا به روستا و شهر به شهر سفر می‌کند و به مردم آگاهی می‌دهد تا به روستایی می‌رسد که دختر بارداری برای کشیش گناه خود را اقرار می‌کند. کشیش پاسخ می‌دهد مسئولیت گناه تو بر دوش مسئولین و اداره کنندگان این سرزمین است!!

بیش از چهل سال است که از مطالعه این کتاب می‌گذرد. با اینکه نقدی بر آن ارائه دادم اما این سوال را دارم که آیا انسان یک آلت بی‌اراده و بی‌اختیار است یا با اراده خود حق‌گزینش دارد. پس نقش ادیان الهی در این گونه موارد چگونه بوده؟ با اینکه به ما آموخته‌اند که نه اختیار مطلق داریم و نه جبر مطلق بروجودمان حاکم است. با بازخورد این چرخش و پرسش و پاسخ در درونم به این نکته رسیدم که درک این اختیار و اجبار هم بستگی به میزان آگاهی دارد.

لذا هر قدر انسان آگاه‌تر باشد اختیار انتخاب و دفاع از گزینه متعالی و جامع‌تر را با بهره‌گیری از عقلانیت و آموزه‌هایش خواهد داشت. بدین لحاظ، آگاهی، پرورش و ارشاد عقل و احساس است و آن کشیش چنین گزینه‌ای را ادراک کرده بود و آنقدر فداکاری کرد تا جان خود را در میان برف‌های سنگین روستاها از دست داد. یادش گرمی باد

به هر حال پنجاه سال فراز و نشیب نقش کلیسا و کاردینال‌ها در واتیکان، دوری از مجادلات کلامی که در آن غرق شده بودند به اینجا منتج شد که خود و الهیات را تا حدی رها سازند و الهیات رهایی بخش به معنای خدمت به مردم و اجتماع و رهایی مردم از فقر مادی و معنوی و کج‌روی‌ها و بی‌مسئولیتی‌ها را برگزینند که عملکرد اجتماعی جوامع امروز، نیازمند آن است. به جای دفاع از مباحث تئوریک به دفاع از حقوق مخلوقات به ویژه انسان و با نگاه گذشت و تساهل و تسامح به رفتار انسان‌ها بنگرد و حس انتقام‌جویی را ترک نموده، سعه صدر و ظرفیت‌سازی را در وجود بشر جایگزین سازند.

پاپ فرانسیس دوم هم ثمره تلاش‌های نیم قرن نهاد واتیکان است که رویکرد اجتماعی را برگزیده و پیوسته به میان اجتماعات و عموم مردم حضور می‌یابد و فرانسیس دوم آرژانتینی در برقراری صلح و دوستی در روابط بین ایالات متحده آمریکا و داشت نقش مهمی داشت و همکاری با رئیس‌جمهور آمریکا را برگزیده و به دنبال تجدید حیات فکری، روانی و تغییر قوانین اجتماعی و در واقع در پی رنسانس دیگری است و موقعیت مردمی را برای کلیسا تدارک می‌کند.

انجیل برنابا در موزه ترکیه

حضور پاپ فرانسیس در جمع مسیحیان و رویکرد اجتماعی و صلح‌جویانه او که در بعضی از اناجیل از جمله انجیل برنابا آمده است و اینکه بتواند به نیازهای امروز جامعه مسیحی پاسخ کافی دهد و از مفاسد جلوگیری



اعظم طالبانی
مدیر مسئول

نماید جای بسی امیدواری است.

چندی پیش در ترکیه نسخه‌ای نادر از انجیل پیدا شد که به زبان «آرامی» نوشته شده و به ۱۵۰۰ سال قبل برمی‌گردد. این انجیل اشاره به این دارد که حضرت عیسی (ع) بعد از خود، ظهور پیامبر اکرم (ص) را خبر داده است. وزیر فرهنگ ترکیه در این باره گفت بود که ارزش این کتاب ۲۲ میلیون دلار برآورد می‌شود. واتیکان به دولت ترکیه پیشنهاد داد تا با کارشناسان کاتولیک در شورای کارشناسان روم بنشینند و محتویات این کتاب را بررسی کنند. این کتاب حذف در سال ۲۰۰۰ میلادی کشف شده بود و در مکانی مخفی در موزه مردم نگاری آنکارا نگهداری می‌شود.

آیا انبیاء نقش آگاهی بخش داشتند؟

آنچه مسلم است انبیاء الهی نقش تربیت و آگاهی را در زندگی انسان با درایت و حلم و فداکاری تعالیم ادیان را به اجتماعات و گروه‌های مردمی داشتند و چه بسا از این طریق، جنبش‌های اجتماعی شکل گرفته است و آموزه‌های آگاهی بخش را سرلوحه برنامه خود قرار دادند که مهمترین آنها رهایی از تفرقه و پراکندگی یعنی تکیه و پذیرش یک خالق که جزء اصول همه انبیاست، بوده است.

عیسی مسیح که انجیل‌ها (بشارت‌ها) از تعالیم او بوده که شاگردان او پس از دریافت از او به شاگردان بعدی از نقل قول‌ها را منتقل کردند.

با توجه به اینکه دهم آبان ۱۳۵۷، روز رهایی مرحوم آیت‌الله طالقانی از آخرین زندان می‌باشد ذیلاً مطلبی را از آن عزیز می‌آورم:

آیت‌الله طالقانی که در سال ۱۳۴۶ مقدمه‌ای در کتاب انجیل برنابا نوشته است. نکاتی را ذکر می‌کند:

«به نوشته فلویید فیلسون در کلید عهد جدید صفحه ۱۳ می‌نویسد که شیوه نوشتن در میان یهودیان باستان معمول نبوده است، بنابراین اناجیل سال‌ها پس از اشاعه مسیحیت و تاسیس کلیساهای مسیحی انجام شده است.» ایشان نتیجه‌گیری می‌کند که «رسولان و معلمین نخستین که برنابا یکی از آنها بوده اناجیلی (تعالیم و بشارتی) داشته‌اند که در اصول مشترک بوده پس خواه ناخواه بحث درباره این اناجیل به این برمی‌گردد که آیا این انجیل مکتوب و یافت شده مطابق همان انجیل ذهنی و لفظی برنابا بوده یا نه؟» طالقانی اظهار می‌دارد: «به نظر اینجانب درباره انجیل برنابا (همه مطالب آن) دلیل یقین آوری نه برای اثبات داریم و نه برای نفی.» سپس تاریخ پیدایش این انجیل را به اختصار در بیش از ۲۰ صفحه به عنوان مقدمه توضیح می‌دهد و نظرات دکتر خلیل سعادت (مسیحی محقق) و محققین دیگر را بیان داشته و اینکه دکتر «خلیل سعادت» پس از بدست آوردن اصل عربی کتاب پس از آن به زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی و اسپانیایی ترجمه شده نام می‌برد و می‌نویسد: «گذشته از این شواهد تاریخی اگر معنای انجیل، تعالیم و مسائلی بوده که شاگردان مسیح از او گرفته‌اند به یقین برنابا که از سابقین ایمان به مسیح و ناشرین تعالیم او بوده... به یقین اصول آن به جای مانده بخصوص که مطالب و مسائلی که در این انجیل آمده دارای لحن و تعبیرات خاص و متضمن حقایقی از حکمت و تربیت و هدف‌های عالی انسانی و استدلال‌های فطری و دلنشین و استنتاج‌های روشنی است و به خوبی معلوم است که از روحی سراسر ایمان و اخلاص و محبت جوشیده است...»

به نوشته طالقانی در این مقدمه: «...سرپرستی مجالس آزاد بحث و مناظره به پدرم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی واگذار شد، که یکی از کارهای این جمعیت بدست آوردن کتب و نشریات ادیان و مذاهب دیگر بود که یکی از کتاب‌ها ترجمه انجیل برنابا بود که از زمان انتشار آن بیش از ۲۰ سال گذشته بود... تا آنکه نسخه‌ای از آن را از کتابخانه خصوصی یکی از مراجع ساکن عراق (گویا مرحوم آیت‌الله صدر) بدست آوردند. این نسخه برای مرحوم پدرم چون گوهری گرانبها بود.»

در مجموع این تحقیقات، مبین و موید این است که نام پیامبر اسلام در انجیل یوحنا و برنابا آمده است و اینکه حضرت عیسی به شاگردانش می‌گوید بعد از من پیامبری به نام محمد خواهد آمد یا همانطور که در آیه ۵ صوره صف در قرآن آمده است عیسی ابن مریم می‌گوید بعد از من پیامبری می‌آید که نام او احمد است.»